جامعه‌شناسی تاریخی
دورهٔ ۱۱، شمـارهٔ ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸

بررسی مفاهیم نمادین جرعه افشانی، تقدیم جرعه و گل در ایران باستان و تداوم آن در هنر دوره اسلامی[۱]

حبیب ا... آیت‌اللهی[۲] حسین عابددوست[۳] محمود طاووسی[٤]

(تاریخ ارسال: ۱۳۹۵/۰۹/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۲٤)

چکیده

مفهوم حیات و زندگی یکی از مفاهیم کلیدی در بسیاری از هنرهای تمدن‌های کهن و به ویژه در هنر و تمدن ایران است. این مقاله در پی بررسی مفاهیم نمادین و صورت‌های تصویری صحنه‌های جرعه‌فشانی، تقدیم جرعه و گل در هنرهای ایران کهن و تداوم آن در نقاشی‌های دوره اسلامی است. هدف از این پژوهش تحلیل محتوا و ریشه‌های تصویری یکی از صحنه‌های رایج نقش‌پردازی شده در هنر دوره اسلامی است. صحنه‌هایی که تقدیم هدیه‌ای شراب مانند یا گل‌هایی زیبا را به تصویر کشیده‌اند. در نگاه اول این نقش‌ها را می‌توان صحنه‌هایی عادی از زندگی روزمره پنداشت، اما با بررسی تطور تصویری و محتوای اسطوره‌ای– دینی این مضمون در هنر و فرهنگ ایران باستان را می‌توان تداوم یک کهن الگوی نمادین و تصویری در هنر دوره اسلامی نشان داد. این مقاله سعی دارد با تکیه بر داده‌های

---

[۱]. این مقاله مستخرج از پایان نامه دکتری با عنوان بررسی و تحلیل نمادهای باروری در هنر ایران از کهن ترین ایام تا دوره ساسانی و نمود آن‌ها بر دست‌بافته‌های دوره معاصر ایرانی، با راهنمایی دکتر حبیب اله آیت اللهی و استاد مشاور دکتر محمود طاووسی، دانشکده هنر، دانشگاه شاهد تهران است.

با سپاس از دکتر هژبری نوبری که سخاوتمندانه اطلاعات و منابع لازم را در اختیار قرار دادند، اطلاعات علمی ایشان راهگشای انجام این پژوهش بود.

[۲]. دانشیار دانشکده هنر، دانشگاه شاهد، تهران (نویسندهٔ مسئول)habibb_ayat@yahoo.com

[۳]. استادیار گروه گرافیک، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه گیلان.

[٤]. استاد گروه پژوهش هنر، دانشگاه تربیت مدرس.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

اسطوره‌ای و فرهنگی مفاهیم جرعه‌فشانی و جرعه‌نوشی و به دست گرفتن گل در ایران باستان را بیان نماید و صورت‌هایی تصویری از این صحنه‌ها را نشان دهد و براساس قاعده انتقال نمادها و کهن الگوها در یک فرهنگ به تحلیل صورت‌هایی تصویری از این مضمون در هنر دوره اسلامی ایران بپردازد. براساس اسطوره‌شناسی تطبیقی می‌توان این نکته را مطرح کرد که جرعه‌فشانی، جرعه‌نوشی و تقدیم آیینی گل، الگوی آیینی مشترک میان اقوام هندواروپایی است. این نکته توسط بسیاری از صاحبان نظر مورد تأیید قرار گرفته است، اما نکته جالب توجه که نتیجه کلیدی این مقاله را دربرمی‌گیرد تداوم معنا و تصویر این الگوی نمادین در هنر و فرهنگ دوره اسلامی است.

واژه‌های کلیدی: جرعه افشانی، تقدیم جرعه، تقدیم گل، ایران باستان، هنر دوره اسلامی.

مقدمه

هنر به عنوان راه ارتباطی مهم انسان‌ها همواره تصاویری را عرضه می‌کند که معنایی نهفته در خود دارد، به نظر کاسیرر هنر چون هر شکل نمادین دیگر دارای دو ساحت است. ساحت فیزیکی یا محسوس و ساحت معنایی یا درونی که در ساحت نخست پنهان شده است. این نسبت میان مورد محسوس با معنا سه شکل منطقی بیان، بیانگری و معنای ناب به خود می‌گیرد. هنر و اسطوره در حد بیان هستند. در هنر که به پله بیان مربوط می‌شود میان مورد محسوس و معنا فاصله می‌افتد (کاسیرر، ۲۶۹:۱۳۸۷) جرعه‌فشانی و جرعه‌نوشی و تقدیم گل و گیاه در هنر کهن ایران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و زمینه‌های آیینی– دینی را می‌توان منشا پیدایش آن مطرح کرد. در ایران از دوره ایلام نمونه آثار هنری موجود است که صحنه‌های تقدیم‌های آیینی را به تصویر کشیده است. تداوم تصویری این آیین تا دوره ساسانی و سپس در هنر دوره اسلامی به چشم می‌خورد. این فرضیه را می‌توان مطرح کرد که این تصاویر تداوم یافته با تأکید بر فرم زیبای تصویری آن تقلید و دورشدگی از معنای نمادین را به همراه داشته است که بنا بر نظر کاسیرر در سطح بیان است. در واقع می‌توان در هنر ایران الگوی تصویری معناداری را شناسایی کرد که پیوسته با باورهای دینی– مذهبی– اجتماعی بوده و در گذر زمان تنها شکل و فرم آشنای آن برای بینندگان این آثار باقی مانده است. در این مقاله ابتدا به بیان مفاهیم اسطوره‌ای جرعه‌نوشی، جرعه‌فشانی و گل‌های مقدس در فرهنگ ایران و برخی از ملل کهن پرداخته خواهد شد تا بستر شکل‌گیری معنای نمادین این تصاویر هنری– مذهبی توضیح داده شود. سپس صورت‌های تصویری از این صحنه در هنر کهن ایران

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

و هنرهای دوره اسلامی مورد بررسی خواهد گرفت. روش تحقیق توصیفی– تحلیلی است و روش گردآوری مطالب کتابخانه‌ای و از طریق فیش‌برداری و تصویرخوانی است. روش تحلیل داده‌ها کیفی است. مواردی که به عنوان پیشینه این تحقیق مورد مطالعه قرار گرفت بیشتر نوشته‌هایی درمورد تقدس هوم، برسم و نیلوفر است و هیچ یک از این موارد به بررسی صریح جرعه‌نوشی، تقدیم جرعه و گل‌ها و گیاهان نپرداخته‌اند. سیر تاریخی این تصاویر نیز تاکنون مورد توجه قرار نگرفته‌اند. در این مقاله ابتدا سعی شده که مفاهیم اسطوره‌ای جرعه‌نوشی و جرعه افشانی و جایگاه مقدس برخی از گل‌ها و گیاهان در فرهنگ و هنر ایران مورد بررسی قرار گیرد و سپس نمونه‌های تصویری این آیین‌ها در هنر باستانی ایران و هنر دوره اسلامی تحلیل و بررسی شود.

جرعه‌نوشی و جرعه فشانی در آیین‌ها و مناسک کهن ایران و برخی تمدن‌های کهن

ستایش هوم

هوم (اوستایی haoma، ودایی suma، فارسی میانه hȍm) از او در گاهان یادی نشده است. در اوستای تازه در یسن نهم تا یازدهم از او ستایش شده است. او دشمنان را دور می‌دارد (یسن، بند ٢٤) او از آن پرهیزگاران است (یسن ١٠، بند ١٦) او درمان بخش است (یسن ١٠، بندهای ٨ و ١٣). همتای هندی او سومه[1] است که هم گیاه و هم خداست (قلی‌زاده، ١٣٨٨: ٤٥٥) سومه نوشیدنی زرین که در دورانی متأخر به ایندرا نسبت داده شده و نشانه‌های آن شاخ، لوتوس و چرخ مقدس بود (جردن[2]، ٢٠٠٤:٢٩١). سومه یکی از شخصیت‌های اصلی در آیین‌های پرستش ودایی است. افشره گیاه کوبیده شده را از صافی پشمینه‌ای می‌گذرانند و به خم‌هایی حاوی شیر و آب می‌ریزند. زردی این مایع به اشعه خورشید و روانی آن به ریزش باران تشبیه می‌شود. از این‌رو سومه را سرور یا شاه رودها و بخشنده باروری نامیده‌اند. سومه که دارای سیطره جهانی است در میان خدایان نقش موبد را دارد و به آنان نیرو می‌بخشد، همچنین او جنگجوی بزرگی است و موبدانی که سومه بنوشند قادرند دشمنان را در چشم به هم زدنی بکشند (قلی‌زاده، ١٣٨٨: ٤٥٥) این نوشیدنی آیینی ابتدا محدود به خدایان و کاهنان بود و سپس به جنگجویان نیرو می‌بخشید، شاعران را الهام می‌بخشید و به پیران برای تجدید حیات و سعادتمندی ابدی تقدیم می‌شد. همه برکت‌های این گیاه پیشکش می‌شد (جمیز[3]، ١٩٦٦:٢٦). نوشیدنی آیینی یا معجون مقدس میان هندواروپایی‌ها (مید[4]) خوانده می‌شد. بعدها دیگر نوشیدنی‌های سکرآور در میان اقوام مختلف مانند سوما یا هوم در هندواروپایی و شراب در یونان و روم جایگزین آن شدند (دوستن[5]، ١٩٨٥:٥٢). پیشکش کردن هوم نماد شکرگزاری

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

از پیدایش حیات گیاهی است که بدون وجود آن آفرینش حیوان و انسان ممکن نمی‌شد. به همین جهت جنبه‌های نیرومند این باور در آیین زرتشتی نیز دوام آورد و باقی ماند (بویس، ۱۳۷٤:۲۲). نوشیدن دارای مقررات و آیین‌های خاص بود که با جرعه برخاک فشاندن آغاز و به قدح نوشی ختم می‌شد (قدیمی، ۱۳۹۰:۹۵). در فرهنگ ایرانی سبو نماد برکت باروری است و در بندهش بخش ۸ بند ٦٤ خم پیمانه افزار تیشتر[٦] است (فرنبغ دادگی ،۱۳۸۵:٦٤). آن‌چنان که ذکر شد آیین جرعه‌فشانی آیینی گسترده در میان اقوام هندواروپایی است (جیمز، ۱۹٦٦:۳۰). نمودهای این آیین را می‌توان در اشعار حافظ در قرن ۸ ه.ق مشاهده کرد. حافظ به جرعه‌فشانی، گناه شمردن آن در روزگار و نعمت بخشیدن جرعه‌فشانی به مردم اشاره کرده است. به نظر می‌رسد از آن‌جایی که شراب‌نوشی در میان مسلمانان حرام است، حافظ جرعه‌فشانی را گناه خوانده، اما فزونی نعمت پس از جرعه‌فشانی در واقع اشاره‌ای به آیین کهن هوم در اندیشه ایرانی است.

اگر شراب‌خوری جرعه‌ای فشان بر خاک از آن گناه که نفعی رسد به غیر چه باک (دیوان حافظ)

برسم

برسم (فارسی میانه barsam، اوستایی bar·sam) شاخه‌های مقدسی است که در آیین‌های دینی به کار گرفته می‌شود. پیشتر از شاخه‌های باریک بی‌گره انار درست می‌شد و در دوره‌های متأخر از فلز ساخته می‌شود. شماره شاخه‌ها از ۳ تا ۳۵ شاخه گفته شده‌اند. این شاخه‌ها را موبد هنگام برگزاری آیین‌های یسن، ویسپرد و وندیداد به دست می‌گیرد. منظور از برسم گرفتن و دعا خواندن همان سپاس به جای آوردن نسبت به بهره‌مندی از گیاهان است که مایه تغذیه انسان و چهار پا و زیبایی طبیعت است. ریشه لغوی برسم (یعنی بالیدن و نمو کردن) دال بر این است که از برسم همه رستنی‌ها منظور است. برسم و کارد برسم چین و هوم و دین بهی سلاحی هستند که می‌توان با آن اهریمن و دیوان و جادوان و پریان را نابود کرد و به دوزخ فرستاد (قلی‌زاده، ۱۳۸۸:۱۲۷).

تقدس گل‌ها و گیاهان

گل نیلوفر در دست داریوش بزرگ در نگاره‌ای در بخش شمالی عمارت خزانه تخت جمشید و نیز در دست دیگر بزرگان پارسی دیده می‌شود (هینتس، ۱۳۸۵:۱۲۰) و نیز در پلکان آپادانا در کنار درخت زندگی و صحنه نبرد شیر و گاو ظاهرشده است (گیرشمن، ۱۳۷۱: ۱۷۱) در

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

طاق بستان در صحنه اعطای منصب شاهی گل نیلوفر زیر پای میترا قرار دارد (فریه، ۱۳۷٤:۷٦)، به روایت ابوریحان بیرونی در ایران باستان روز ششم تیرماه (خرداد روز) جشنی به نام جشن نیلوفر برگزار می‌شده است، اما جنبه مهم گل نیلوفر آبی ارتباط آن با آب است. چون آب عنصر اساسی حیات و نمادی از اقیانوس اولیه کیهانی است. نیلوفر آبی اگرچه ریشه در قعر آب دارد، ولی بر سطح آب شکفته می‌شود، این گل مظهری از شکوفایی جهان و نیل به مرتبه تجلی یا ظهور ناهید و تصور اصلی مادینه هستی در روایات دینی ایران باستان بوده است که از جهاتی با معتقدات هندیان باستان تشابه دارد (ضابطی، ۱۳۸۹). دکتر بلخاری معتقد است «به صراحت می‌توان اظهار داشت نیلوفر سمبل و نماد ظهور برهما و تجلی کل عالم از میان آب‌های آشفته آغازین است. نیلوفر در روایات باروری مادر بودا، گام نهادن بودا پس از تولد درون نیلوفری که از زمین برآمده بود. جایگاه نیلوفر در تعلیمات بودا چنان بود که بودهی ستوه‌ای به نام پادماپانی (خدای نیلوفر به دست) در آیین بودا شکل گرفت» (۱۳۸٤)[۷].

نکته قابل توجه این‌که در آیین و فرهنگ کهن ایران گل‌ها و گیاهان از آن امشاسپندان مقدس هستند، در بندهش (بخش نهم، ۱۱۹) گیاه بیدمشک از آن سپندارمذ، ایزد نگهبان زمین، است این را نیز گوید که هر گلی از آن امشاسپندی است. (فرنبغ‌دادگی، ۸۸:۱۳۸۵). هدیه و نثار گل نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. "در فرهنگ کهن ایرانی اشی ایزدبانوی توانگری و بخشش به هر پرهیزگاری در روز رستاخیز شاخه‌ای هدیه می‌دهد تا از گناهکاران بازشناخته شود" (قلی‌زاده، ۱۳۸۸: ٦٥). در نمادهای منطقه البروج، برج سنبله به صورت دختری است که خوشه گندم را در دست دارد (صمدی، ۸۳:۱۳٦۷).

نمونه‌هایی از جرعه‌فشانی، تقدیم جرعه و هدیه گل‌ها و گیاهان در هنر باستانی ایران در مقایسه با آثار دوره اسلامی

با مروری بر آثار مکشوفه از محوطه‌های باستانی در ایران می‌توان نمونه‌هایی از جرعه‌نوشی و جرعه‌فشانی بر خاک را نشان داد که مطابقت تصویر با مفاهیم آیینی و رمزی آن در فرهنگ ایرانی را آشکار می‌کند. نمونه کهن آن متعلق به هزاره سوم ق.م است در میان مهرهای یافته از شوش تصاویری دیده می‌شود که قسمتی از یک صحنه پیشکشی را دربردارد، در نمونه‌هایی از مهرها ملکه در مقابل خدایی قرار دارد که کوزه‌ای از آب‌های جاری را به دست گرفته است. تصویر ۱ مهری از ایلام را نشان می‌دهد. در این مهر ملکه با لباس مخصوص ملکه‌های ایلامی روبه خداوند دارد خداوند سبوی پر آبی در دست دارد و جریان‌های آب از دست الهه ایلامی می‌گذرد. این تصویر را می‌توان یکی از نشانه‌های آبریزی در ایلام دانست (تصویر ۱). مهر استوانه‌ای دیگری ملکه و شاه را جام به دست نشان می‌دهد (تصویر ۲).

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

در مهر استوانه‌ای سوم ایزدبانوی ایلامی در حال دریافت پرنده نذری است (تصویر ۳) و در نمونه دیگر الهه ایلامی همراه با ملازمانش در کنار نشانه‌های گیاهی دیده می‌شود. تاک که نماد الهگان مادر به ویژه در سومر بود (شوالیه، ۱۳۸۷:۳۰۷) در این مهر بالای سر الهه‌ای دیده می‌شود که جامی در دست دارد. نکته قابل توجه حضور خدای ماه و ارتباط ماه با رویش حیات گیاهی است (تصویرهای ۲ و ۵).

تصویر ۱ از مجموعه مهرهای مکشوفه از شوش، احتمالاً الهه و ایزد را جام به دست نشان می‌دهد. انشان، دوره سوکل مه عیلام، قرن ۱۹ق.م (آمیه، ۱۳۸۹: ۹۸)

تصویر ۲ مهر استوانه‌ای انشان که ادای احترام به زوج سلطنتی است. قرن ۱۹–۱۸ ق.م (شماره ۲٦۰۰)، (Roach,2008 :٤١٥)

تصویر ۳ مهرهایی از انشان، از مجموعه روزن (پاتس، ۱۳۸۵: ۲٤۲)

تصویر ٤ ایزدی که آب از دستانش بر جامی می‌ریزد و گیاهی در دست دارد (Amiet,1979: 34)

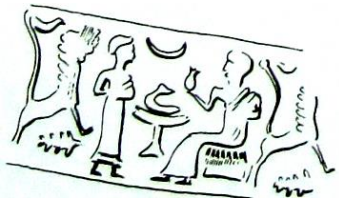

تصویر ۵ مهری از شوش شماره ۲۴۹۵(Roach,2008 : 398)

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

در مجموعه مهرهای کشف شده از شوش خدایان و الهگانی را می‌توان مشاهده کرد که گیاهی در دست دارند و آب از دست‌هایشان بر زمین یا جامی می‌ریزد. این تصاویر نمونه‌های روشنی از جرعه‌فشانی بر خاک است (تصویر ٤).

بریان معتقد است «اعطای هدایا، هدیه‌دهنده و هدیه‌گیرنده را به یکدیگر وابسته می‌گرداند و بدین ترتیب هدیه گیرنده به شاه تعهد و وفاداری می‌داد، چنان که روابط شاه با زیردستانش را عطیه سلطنتی تشکیل می‌داد» (بریان،۱۳۸۰: ۱۲۷).

پس از بررسی تصاویر مرتبط با صحنه‌های آیینی تقدیم هدیه یا نثار باید این پرسش را مطرح کرد که چه عناصری به عنوان نذر، هدیه یا تقدیم در این تصاویر دیده می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد آب و شراب، گیاه، گل، انار و برخی سبد میوه، ماهی، پرنده بیشترین نذری‌ها هستند. برخی مهرها تقدیم بزسانان به ایزدی را به تصویر می‌کشند (پرادا[۸]، ۱۹٦٥:۳۹) و مهری از شوش صحنه تقدیمی را به تصویر کشیده است (تصویر ٥). اگر شیر پشت سر فیگور ایستاده سمت چپ را نماد الهگان مونث فرض کنیم، این صحنه می‌تواند تقدیم هدیه از طرف خدا به ایزدبانو را نشان دهد.

یک نمونه گزارش از معبدی در شوش است که نشانه‌هایی از جایگاه ساغر ریزی در آن دیده شده است. به اعتقاد کراپ[۹] در زیگورات چغازنبیل حوضی پر از آب برای مراسم آیینی شبیه به اصطلاح حمام بزرگ در موهنجودارو بوده است. از معابد گوناگون نزدیک زیگورات یافته‌هایی مانند کاهنان با ساغرهای سفالی بلند در معبد نپیریش[۱۰] (خدای بزرگ)، ساغرهایی که برای مصرف خانگی یا پیشکش کردن شراب استفاده می‌کردند به دست آمده است (پاتس، ۱۳۸٥:۳٥۰).

تصویر٦ مجسمه الهه نارونته ، وقف معبد ۲۲٥۰
(Ghirshman,1968:۲٤۳ق.م موزه لوور)

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

مجسمه نارونته[۱۱] یا الهه ناریته به وسیله دمرگان[۱۲] در اکروپل شوش در ۱۹۰٤ کشف گردید. این مجسمه احتمالاً به وسیله کوتیک این شوشیناک[۱۳] به معبد او در شوش اهدا شد (تصویر ٦). الهه نارونته با لباس بلند با نقش فلس ماهی و پا برهنه بر تختی مزین نشسته است. در این‌که وی در دست‌های خود چه چیزهایی را نگه داشته است. بین محققان و باستان شناسان اختلاف نظر است. شل[۱٤] معتقد است که الهه نارونته در دست چپ یک ظرف مقدس و در دست راست یک شاخه نخل نگه داشته است. پیر آمیه[۱۵] با نظر شل موافق است. هینلز[۱٦] معتقد است که الهه نارونته دو ظرف مقدس در دستان خود دارد. گلی که که در پایین پای الهه قرار دارد، گیرشمن آن را نماد الهه گل نیلوفر دانسته است (گیرشمن، ۱۹٦۸:۲٤۳). این اسناد نشان می‌دهد جام نماد آب و گیاه نماد زندگی نشانه‌های مقدسی که در دوره باستان نماد الهگان مقدس بوده است.

دومین اثری که از دوره کوتیک اینشوشیناک در رابطه با الهه نارونته کشف شده جام نقره‌ای است. این جام در سال ۱۹٦٦ از داخل خمره سفالی بزرگ از حاجی‌آباد کشف گردید. صحنه اصلی عبارت از الهه‌ای که با شکوه و عظمت تمام سمت راست ایستاده و الهه یا شاهزاده دیگری در مقابل وی به حالت احترام چمباتمه زده است. کتیبه در قسمت بالای صحنه از نوع خط تصویری ایلام یا پروتو ایلامی و شامل ٤٤ علامت با مضمون زیر است.

«یاری کن الهه، یاری کن، من کوری ناتی هی هستم. اهداکننده آشامیدنی نذری برای پروردگار بخشنده پاداش نیک، خیر و برکت؛ ای الهه مقدس؛ نازل شد، لطف و مرحمت الهیت پیوسته باید به بر پادارنده معبد ارزانی شود. یاری کن تو این جام را که از سوی یک بنده برگزیده مقرب اهدا شده، برای وی روز به روز مقدس دار» (صراف، ۱۳۸۷:٤۹). این سند نشان می‌دهد جام آشامیدنی نذری یکی از نذورات معابد در دوران کهن ایران بوده است. در کتیبه‌های دیگر مکشوفه از شوش شوتروک ناهونته شاه ایلامی از اهدای حوض آبی از جنس سنگ آهک و قوچ به منظور قربانی برای خدای خویش این شوشیناک صحبت می‌کند (همان، ٦۸). در میان لوحه‌های مکشوفه در شوش اونتاش گال[۱۷] پادشاه معروف سلسله ایکهالکی[۱۸] دریکی از آجرهایی که برای احداث زیگورات چغازنبیل به کار برده شده می‌گوید:

«من اونتاش گال هستم. معبد الهه اینانا... را من بنا کردم. من دستور دادم مجسمه الهه اینانا را از فلز بسازند و در این‌جا نصب نمایند. سکوی قربانگاه الهه اینانا را در این‌جا بر پاداشتم (همان، ۸۱). جیمز ریختن خون قربانی به سوی مادر زمین به عنوان منبع تجدید حیات را نوعی ساغر ریزی و مرتبط با نیروهای زندگی بخش و چرخه زندگی گیاهی می‌داند (جیمز، ۱۹٦٦:۳۰).

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

تصویر ۷ صحنه‌ای از به دست گرفتن برسم از گنجینه آمودریا در باکتری قرن ۵ ق.م موزه بریتانیا لندن (Stirin,2006:74)

تصویر ۸: این نقش مایه در نقش برجسته‌های تخت جمشید نیز در دست شاه و بزرگان قرار دارد.

تصویر۹ تکه پاره‌ای از ایلام همراه با آرائه گل نیلوفر (آلوارز- مون، ۵:۲۰۰۹) ازگور ارجان، عکس از موزه ملی ایران

تصویر ۱۰ سکه اشکانی (پوپ، ۱۳۸۷، لوح ٦٤٢)

تداوم صحنه‌های ساغر فشانی تقدیم جرعه و گیاه را می‌توان در عصر هخامنشی و ساسانی نشان داد. استرابون درباره مراسم قربانی که در کاپادوکیا شاهد آن بوده است اطلاعاتی به دست می‌دهد که اشاره مستقیم به اهمیت آیینی ساغرریزی دارد (بریان، ۱۳۷۹:۳۷۷) تصویر ۷ صحنه‌ای از گرفتن برسم هنگام نیایش را نشان می‌دهد (تصویر ۷)؛ و تصویر کاربرد گل نیلوفر به عنوان آرائه‌ای تزیینی بر لباس بر تکه پاره‌های پارچه‌ای پنبه‌ای از ایلام باقی مانده است (آلوارز- مون، ۵:۲۰۰۹)، (تصویر ۹).

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

تصویر ۱۱ ظرف نقره‌ای از دوره ساسانی شاه را گل در دست و تصویر دیگر حلقه در دست نشان می‌دهد (لوکینین، ۹۳:۱۹۹۵).

نمونه دیگر سکه‌ای از دوران اشکانی است. بر این سکه چهار درهمی ارد دوم، توخه ایستاده در مقابل شاه نشسته، شاخه‌ای گیاهی را به شاه هدیه می‌کند (پوپ، ۱۳۸۷:۱٤۲). تصویر ۱۰ ظرف نقره‌ای از دوره ساسانی چهار تصویر از شاهان ساسانی را نشان می‌دهد که حلقه قدرت و شاهی را در دست دارد و در دیگری شاخه گلی به دست دارد. تنه شاه از میان برگ‌های گل نیلوفر ظاهر شده است. این تصویر نشان از اهمیت نشان گیاهی در این زمان دارد. همان‌طور که در متون زرتشتی گل‌ها از آن امشاسپندان مقدس است، در این‌جا شاه نیز با گیاهی مقدس نماد زندگی همراه است (تصویر ۱۱). نکته جالب توجه این‌که این گل در دست رقصنده دوره ساسانی نیز دیده می‌شود.

تصویر ۱۲تصویر زن بر روی ظرفی از دورهٔ ساسانی، با لباسی آراسته به سه دایرهٔ کنار هم همراه با دو خط (بلونی، ۷۵:۱۹٦۹)

تصویر ۱۳ ظرف نقره‌ای دوره ساسانی، رقصنده نماد انار نماد باروری را در دست دارد (لوکینین، ۷۳:۱۹۹۵)

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

.در این تصویر رقصنده در دستی شاخه گلی شبیه نیلوفر و در دست دیگر حلقه‌ای دارد. رقصنده دیگری از این نوع انار به دست دارد (تصویرهای ۱۲ و ۱۳). اتینگهاوزن در این باره می‌نویسد: «این آثار یادآور کیش دیونیسوس است» (هارپر). تصویر زنان را نشانه احتمالی ادغام کیش باکوس در آیین باروری ایرانیان آناهیتاپرستی داند (اتینگهاوزن، ۱۳۷۹:۱۲٦).

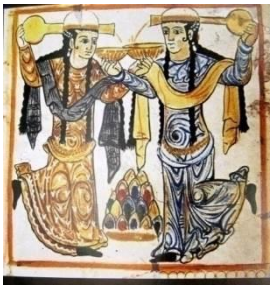

تصویر ١٤ نقاشی دیواری رقصندگان، حرم کاخ جوسق، سامره، دوران بنی عباس عکس موزه ستاتلین برلین (رایس، ۱۳۷۵: ۳۵)

تصویر ۱۵ ائا خدای آب و وزیر دو چهره اش/ برگرفته از مهر استوانه‌ای دوره اکدی (بلک، ۷۵:۱۹۹۲)

تداوم صحنه‌های تقدیم شراب و گل‌ها و گیاهان مقدس در هنر دوره اسلامی

براساس تصاویر و گزارشات تاریخی و نیز متون زرتشتی می‌توان این نتیجه کلی را مطرح کرد که تقدیم آب و شراب بر خاک یا ایزد، ایزدبانو یا شاه، تقدیم گل‌ها و گیاهان در فرهنگ و هنر باستانی ایران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و این اهمیت تا عصر ساسانی و سپس براساس متون پس از آن در دوره اسلامی نیز تداوم یافته است. حال باید به بررسی تصاویری پرداخت که صحنه‌های مشابه ساغرریزی، ساغرنوشی، تقدیم شراب، تقدیم گل‌ها و گیاهان را نشان می‌دهد. یک نمونه از صحنه‌های ساغرریزی در دوره اسلامی در میان نقاشی‌های دیواری کشف شده در سامرا به چشم می‌خورد. رایس در این باره می‌نویسد: «این تزیینات بخشی از حرم جوسق را که به دست خلیفه معتصم بنا شده (۲۱۱– ۲۱۹ه.ق) و به جوسق خاقانی شهرت داشته زینت داده است. برخی تصاویر دختران رقصنده نیز دیده می‌شود که برخی از آن‌ها در میان قوس‌های مشابه آن‌چه بر ظروف سیمین عهد ساسانی دیده شده نقش بسته است» (رایس، ۱۳۷۵ :۳٤) (تصویر ١٤). پیشتر مطرح شد که دختران رقصنده در دوره ساسانی همان نمادهایی را در دست دارند که خدایان و الهگان در دروه باستانی به دست داشتند. جام، سبو،

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

قدح، گل یا گیاه (نیلوفر، پنج پر، شاخه تاک، انار، پرنده) در این نقاشی دیواری نیز دختران در حال پرکردن پیاله شراب هستند (تصویر ١٤). نکته قابل توجه در این تصویر نماد کوه در میان دو رقصنده است. نشانه‌های دالبری روی هم قرار گرفته در خطوط کهن ایلامی و سومری نماد کوه است (هرتسفلد، ۱۳۸۱:٤۳). در این تصویر رقصندگان در حال شراب‌ریزی در کنار کوه این نماد مقدس تمدن‌های باستانی هستند. یک مهر اکدی اآ خدای آب را بر کوهستان نشان می‌دهد. اآ یا انکی به عنوان خدای تهیه‌کننده آب شیرین همواره مورد علاقه بشر بوده، نهرهای آب از شانه‌هایش جاری است (بلک، ۷۵:۱۹۹۲) (تصویر ۱۵). این ارتباط تصویری می‌تواند نشان از پیشینه آیینی مذهبی رقص شراب در کنار کوه مقدس را یادآور شد که نیازمند بررسی‌های بیشتر و عمیق‌تر است.

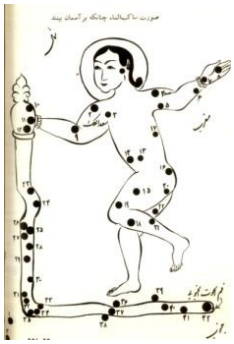

تصویر١٦ صورت دلو بر آسمان، (خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۵۱: ۲۲۱)

تصویر ۱۷ ساقی در منظره، تکه ابریشم، قرن ١٦م. یازده ه.ق موزه پارچه واشنگتن دی.سی (کنبی، ۱۳۸۷: ٦۱)

تصویر ۱۸ ستاره هشت پر، کاشی لعابدار ۷۳۹ ه.ق کاشان (سیمز، ۳۵:۲۰۰۲)

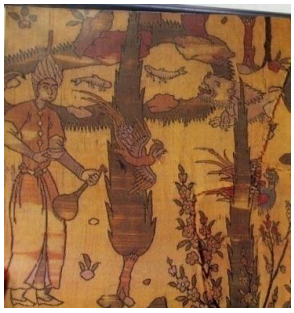

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

یکی دیگر از تصاویری که صحنه آبریزی مقدس بر زمین را نشان می‌دهد. صورت تصویری برج آبریز نماد بهمن ماه است که از آن با نام دلو یاد می‌شود. زنی که جامی واژگون بر دست دارد که از آن آب بر زمین می‌ریزد (تصویر ١٦). در تنکلوشا[١٩] طالع کسی که در درجه اول این برج زاده شود چنین توصیف شده است: «هر که بر این درجه زاید مردمان را به خیر و زهد خواند، گشاده زبان و حکیم بود. اهل زمانه بدو تبرک کنند و مردمان بسیار از سخن او راه راست یابند و علم بسیار بیرون آرد که مردمان را فایده‌ها دهد و به نیکنامی زندگی کند تا رحلت کند» (رضازاده ملک، ١٣٨٤:١١٠). در توصیف این درجه خیر، حکت، علم تبرک آمده است. این توصیفات با مفهوم اسطوره‌ای آبریزی و مفهوم نمادین هوم کهن شباهت بسیار دارد. نکته قابل توجه این است که درجه دهم از این برج با پادشاهی و ریاست مردمان همراه است (همان، ١١٤) این ویژگی نیز قابل مقایسه با توصیفات هوم شهریار است. یک نمونه پارچه دوره صفوی نیز صحنه‌ای از آبریزی را به تصویر کشیده است. در این پارچه ابریشمی ساقی در کنار درخت سرو به تصویر کشیده شده است. اگرچه نشانه‌های ریزش آب به زمین در تصویر دیده نمی‌شود. شکل گرفتن جام واژگون شده به سمت ریشه سرو در دست ساقی می‌تواند تداعی‌کننده صحنه آبریزی مقدس بر درختان مقدس باشد که هدف و غایی آن تداوم حیات و زندگی است. به نظر شیلا کنبی «ساقی باریک اندام و سروهای بلند و شکوفه‌های درختان یادآور مضمون‌های عاشقانه غزل‌های فارسی‌اند» (کَنبی، ١٣٨٧:٦١) (تصویر ١٧). اگر این تصویر با نمونه‌های دیگری از این نوع مقایسه شود ارتباط کج یا سرازیر گرفتن جام توسط ساقی با آبریزی آشکارتر خواهد شد. در تصویر ١٨ زوجی دو سوی سبدی از میوه نشسته‌اند و زوج مونث در حال ریختن شراب جامی واژگون به دست دارد. پورتر این صحنه را یکی از صحنه‌های عاشقانه مانند بیژن و منیژه برگرفته از داستان‌ها شاهنامه می‌داند. بر این کاشی عبارت خدایا حفظ کن این را از دگرگونی زمان نوشته شده است (پورتر، ١٩٩٥:٤٤).

نکته قابل توجه تکرار صحنه‌های شراب‌ریزی و ساقی آبریز در هنر دوره اسلامی است، نمونه دیگر خسرو و شیرین را در باغ نشان می‌دهد که شراب به دست دارند و ساقی در سمت راست تصویر قرار دارد. دگر بار جام در دست ساقی به حالت مورب و آماده ریختن شراب قرار دارد (تصویر ١٩).

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

تصویر۲۰ برگی از مینیاتور، هند، موزه بریتانیا، قرن ۱۸–۱۹ (ویتمن، ۱۳۸۹: ۸۷)

تصویر ۲۱ مینیاتوری از یک آدم آهنی که خودکار آب می‌ریزد. برگرفته از نسخه کتاب فی المعرفت الحیل الهندسیه، سوریه یا مصر (۱۳۱۵م) (ایروین، ۱۳۸۹: ۱۵۷)

اهمیت ساقی به قدری است که در یکی از کتب دوره اسلامی ویژگی‌های فنی آدمی آهنی جام به دست تشریح شده است. در سال‌های آغازین قرن سیزدهم الجزری که در شهر عمید در دجله علیا (متعلق به سلسله اَرتقُی) کار می‌کرد، کتاب فی المعرفت الحیل الهندسیه (کتاب شناخت مهارت‌های مکانیکی) را تألیف کرد. او در این کتاب با بیان جزییات دقیق فنی نحوه ساختن وسایلی را توصیف کرده است که زمان را می‌گوید. به محض درخواست آب می‌ریزد یا موسیقی می‌نوازد (ایروین،۱۳۸۹:۱۵۷) (تصویر ۲۱). معناشناسی این صحنه با نگاره‌ای کامل می‌شود که در آن همسر شیوا پاروتی بِهَنگ

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

(حشیش مخصوص با ماست) می‌ریزد (تصویر ۲۰). تاکنون مشخص شد که در دوره اسلامی برج آبریز وظیفه ریختن مایعی حیات بخش را بر زمین به عهده دارد مانند الهگان و ایزدان باستان، از طرفی همان طور که شاهان باستان به نشان ارتقا درجه تقدیم‌کننده شراب به زیردستان و مقامات دربار بودند (قدیمی، ۱۳۹۰:۳) و یا ملازمان به نشان وفاداری به شاه شراب تقدیم می‌کردند، در دوره اسلامی نیز آثار هنری تصاویر این صحنه را به نمایش گذاشته است. از طرفی عشاق شناخته شده ایرانی که قصه عشق و دلدادگی‌شان در شاهنامه مانند لیلی و مجنون، خسرو و شیرین و... در حال تقدیم شراب به یکدیگر به تصویر کشیده شده است. این تصاویر به انضمام تک نگاره‌های به جای مانده از ساقی جام به دست یا پرکننده جام نشان از انتقال تصویر و مفهوم دینی– فلسفی آن از هنر باستانی ایران به هنر دوره اسلامی است. نکته قابل توجه این‌که براساس تصاویر به دست آمده از دوره صفوی شراب‌نوشی و اهمیت ساقی همچنان مرسوم بوده است.

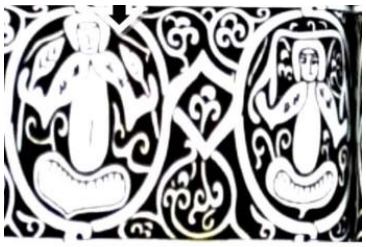

تصویر ۲۲ سفالینه‌ای از خراسان سده ٦ه.ق. (لک‌پور، ۱۳۷۵: ۲۸) برج سنبله تصویر انسانی است که ساقه گندم به دست دارد.

در دوره اسلامی سنبله همچنان نام صورتی فلکی است که زنی را نشان می‌دهد که گیاهی گندم مانند را به دست دارد. «هر که در درجه اول این برج زاید نیکوکار و توانگر باشد و بر مردمان منعم و مفضل و دوستروی و دراز عمر و بسیار فرزند بود» (رضازاده ملک، ۱۳۸٤:۵۲) (تصویر ۲۲). همان طور که در هنر پیش از اسلام، الهگان، ایزدان، شاهان، ملکه، رقصندگان و...، ساقه جو، برسم، شاخه گلی، یا میوه انار به نشانه زندگی در دست داشتند، در دوره اسلامی تصاویر زیادی فیگورهای انسانی را به همراه شاخه درخت، ساقه جو یا شاخه‌ای گل

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

به تصویر کشیده‌اند. تصویر ۲۳ مینیاتوری متعلق به هنر مانوی است. در این تصویر فیگور انسانی شاخه گلی در دست دارد. کلیم کایت نویسنده کتاب هنر مانوی از او به عنوان پیش‌کش‌کننده شاهزاده اویغوری یاد کرده است. به نظر او «بیشتر آن‌ها پیشکش‌های خود را به محرابه‌های بودایی نثار می‌کنند. این چهره پیشکش‌کننده شهزاده‌وار، آدم برجسته‌ای است. هر چند هدیه‌اش را محتملاً به دست وصول‌کنندگان بودایی می‌دهد، اما تاجی بر سر کرده است که به گمان لولُک شاید دلیلی بر ایرانی بودن او دارد. شاهزاده در دستش گلی دارد» (کلیم کایت، ۱۳۸٤:۹۷). با نگاهی بر چهره پیشکش‌کنندگان مانوی و با تکیه بر نظر کلیم کایت می‌توان گفت تقدیم گل و گیاه به عنوان پیشکش یکی از رسوم مانویان بوده است (تصویر ۲۳) آیینی خاص که تصویرگری آن در دوره صفوی یک الگوی شناخته شده و مورد تقلید بود (تصویر ۲٤–۲٦).

تصویر ۲٤ گل چهار پر در دست شاه، ظرف ساسانی مقایسه شود با تصویرهای ۲۵و ۲۷ (لوکونین، ۹۳:۱۹۹۵)

تصویر ۲۳ الف و ب، مرد گل به دست، پیشکش‌کننده مانوی، بزلیق، ۸–۱۱م. (کلیم کایت،۱۳۸٤، تصویر ۱۳ الف و ب)

تصویر ۲۵ سرخان بیگ سفره چی به امضای میر مصور (کنبی، ۵۳:۱۳۸۷)

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

تصویر ۲۶ شاهزاده و خاتون امضای علی قلی جبه ادار، اصفهان ۱۰۸۰ ه.ق. (کنبی، ۱۳۸۷: ۱۶۹) تقدیم گل ازطرف خاتون به شاهزاده

تصویر ۲۷ جوان انار به دست، نیمه دوم سده ۱۸ م. سبک اصفهان (آداموا، ۱۳۸۶: ۲۳۱)

تصویر ۲۸ تصویری از کتاب گاهنامه روم باستان، ۱۳۰۷م. تبریز، صحنه اغوا شدن آدم و حوا (رایس، ۱۳۸۱: ۱۳۹)

همان طور که در دوره ساسانی رقصندگان زن میوه انار به دست داشتند. در دوره صفوی نیز تک نگاره مردی را به تصویر کشیده که میوه انار به دست دارد (تصویر ۲۷). انار در میان اقوام مدیترانه‌ای و خاور نزدیک و هندوستان به صورت یک نماد گسترده باروری و فراوانی تلقی می‌شود (هال، ۲۷۶:۱۳۸۰). پس در این تصویر جوان یکی از نمادهای باروری را دست دارد. مفهوم رمزی این نماد در نگاره دیگری نشان داده شده است. در این نگاره شیطان به هیئت پیرمردی در حال فریب آدم و حوا به تصویر کشیده شده است در حالی که میوه اناری

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

به دست دارد. خداوند در قرآن کریم به صورت تلویحی اشاره به این مطلب نموده است که شیطان آدم و حوا را با وعده زندگی جاوید فریفت. در این نگاره شیطان به هیئت پیری با دادن انار این میوه ممنوع وعده زندگی جاوید به آدم و حوا داده است. این نگاره از کتاب گاهنامه روم باستان تألیف بیرونی است که در تبریز به تاریخ ۱۳۰۷م. مصور شده است (تصویر ۲۸).

نتیجه

با مروری بر اسطوره‌ها و باورهای کهن می‌توان این مطلب را به صراحت مطرح کرد که آب و گیاه در نزد ایرانیان از جایگاه ویژه‌ای بر خوردار بوده است. این دو عنصر علاوه‌بر این‌که تقدیس می‌شده‌اند. به عنوان فدیه‌هایی گرانبها و نذر تقدیم به الهگان، خدایان، بزرگان و معابد می‌شد. نیایش هوم به عنوان ماده‌ای دور دارنده مرگ، زندگی‌بخش و خردبخش مانند همتای هندی آن سومه نشان از اهمیت این نماد برای ایرانیان کهن است. آیین به دست گرفتن برسم هنگام نیایش مراسم جرعه‌نوشی و جرعه‌فشانی بر خاک، تقدس گل نیلوفر و نسبت دادن گل‌ها و گیاهان به امشاسپندان مقدس جایگاه ویژه، زنده و پویای این نماد را در فرهنگ ایرانی نشان می‌دهد. تداوم این نمادها و تقدس این آیین‌ها در ادبیات دوره اسلامی دیده می‌شود. برای مثال نمونه‌های بسیاری از مراسم تقدیم برسم که در شاهنامه از آن یاد شده است و یا غزل معروف حافظ که به جرعه‌فشانی بر خاک اشاره دارد. پس این آیین‌ها و مفهوم دینی آن‌ها در فرهنگ ایرانی همواره تداوم داشته است. آثار مکشوفه از محوطه‌های باستانی ایران به ویژه شوش، صورت‌های تصویری این آیین‌ها را به نمایش گذاشته‌اند. ساغرریزی تقدیم گل و گیاه به عنوان نذر یا فدیه در این آثار بسیار فراوان است. همان گونه که در گذشته آب و گیاه به عنوان عناصر مقدس در دست الهگان، خدایان و شاهان به تصویر کشیده شده بود (و گاهی انار نماد باروری) در هنر ایرانی– اسلامی نیز آبریز، ساقی، تقدیم شراب، تقدیم گل و انار از نمونه‌های بازمانده این آیین‌های مقدس است. فیگورهای انسانی که جامی، قدحی، شاخه گلی یا میوه اناری به دست گرفته‌اند و به صورت تک‌نگاره در دوره صفوی و حتی آثار متعلق به دوره قاجار دیده می‌شوند، در نگاه اول ممکن است به عنوان تصویرگری ساده‌ای از زندگی روزمره تلقی شوند. با مطالعه پس زمینه فرهنگی و هنری این تصاویر و با استناد به تصاویر بازمانده از مانویان که پیشکش‌کنندگان گل به دست را مصور نموده‌اند، می‌توان نشان داد که این آثار تکرار الگوهای تصویر کهن‌تری هستند که براساس معنایی اسطوره‌ای و آیینی در فرهنگ ایرانی شکل یافته‌اند.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

پی‌نوشت‌ها

1. Soma
۲. Jordan
3. james
4. mead
۵. Dosten
6. Tištar
7. www.antrophology.ir
۸. Porada
۹. cropp
10. Napirisha
11. Šutruk-Nahhunte
12. de Morgan
13. Kutik-Inshushinak
14. Shell
15. Amiet
16. Hinnells
17. Ontash Gal
۱۸. ایکهالکی
۱۹. Tankolusha

منابع

- آداموا، ا.ت (۱۳۸٦). نگاهی به نگاره‌های ایرانی گنجینه ارمیتاژ، ترجمه زهره فیضی، تهران، انتشارات فرهنگستان هنر.
- آمیه، پیر (۱۳٤۹). *تاریخ عیلام*، ترجمه شیرین بیانی، انتشارات دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۸۹). *شوش شش هزارساله*، ترجمه علی موسوی، نشر فرزان، چاپ اول.
- اتینگهاوزن، ریچارد و احسان یارشاطر (۱۳۷۹). *اوج‌های درخشان هنر ایران*، به ترجمه هرمز عبداللهی و رویین پاکباز، تهران، نشر آگه، چاپ اول.
- ایروین، روبرت (۱۳۸۹). هنر اسلامی، ترجمه رویا آزادفر، تهران، انتشارات سوره مهر، چاپ اول.
- بریان، پرفسور پی‌یر (۱۳۷۹). *تاریخ امپراطوری هخامنشیان از کوروش تا اسکندر*، ترجمه مهدی سمسار، تهران، انتشارات زریاب، چاپ سوم.
- بلخاری، حسن (۱۳۸٤). *اسرار مکنون یک گل*، انتشارات افرا، گزارش لیلا احمدی، سایت انسان شناسی و فرهنگ www.antrophology.ir

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

- بویس، مری (۱۳۷٤). *تاریخ کیش زرتشت* (اوایل کار)، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران، انتشارات توس.
- پاتس، دنیل تی (۱۳۸۵). *باستان‌شناسی ایلام*، ترجمه زهرا باستی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ اول.
- پوپ، آرتر آپهام و فیلیس اکرمن (۱۳۸۷). *سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز*، سیروس پرهام و گروه مترجمان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.
- رایس، دیوید تالبوت (۱۳۷۵). *هنر اسلامی*، ترجمه ماه ملک بهار، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ دوم.
- رضا زاده ملک، رحیم (۱۳۸٤). *تنکلوشا*، تهران، نشر میراث مکتوب، چاپ اول.
شوالیه، ژان (۱۳۸۷). *فرهنگ نمادها*، ترجمه سودابه فضایلی، تهران، نشر جیحون، چاپ اول.
-صراف، محمد رحیم (۱۳۸۷). *مذهب قوم ایلام*، تهران، انتشارات سمت، چاپ دوم.
-صمدی ،مهرانگیز (۱۳٦۷). *ماه در ایران از قدیمی‌ترین ایام تا ظهور اسلام*، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.
- ضابطی، احمد (۱۳۸۹). *پژوهش‌هایی در شناخت هنر ایران*، نشر نی.
- فرنبغ دادگی، فَرَنبَغ (۱۳۸۵). *بندهش*، مهرداد بهار، تهران، نشر توس، چاپ سوم.
-فریه، دبلیو،(۱۳۷٤) . *هنرهای ایران*،ترجمه پرویزمرزبان،تهران، انتشارات فروزان،چاپ اول..
-قلی‌زاده، خسرو (۱۳۸۸). *فرهنگ اسطوره‌ها ایرانی بر پایه متون پهلوی*، تهران، شرکت مطالعات و نشر کتاب پارسه، چاپ دوم.
-کاسیرر، ارنست (۱۳۸۷). *فلسفه صورت‌های سمبلیک جلد دوم*: اندیشه اسطوره‌ای، ترجمه یدالله موقن، تهران، انتشارات هرمس، چاپ دوم.
-کلیم کایت، هانس یواخیم (۱۳۸٤). *هنر مانوی*، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تهران، نشر اسطوره.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

-کنبی، شیلا (۱۳۸۷). *عصر طلایی هنر ایران*، ترجمه حسن افشار، تهران، نشر مرکز، چاپ اول.

- گریشمن، رمان (۱۳۷۰). *هنر ایران در دوران پارتی و ساسانی*، ترجمه بهرام فره‌وشی، تهران، نشر علمی و فرهنگی، چاپ دوم.

- گریشمن، رمان (۱۳۷۱). *هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی*، ترجمه عیسی بهنام، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم.

- لک‌پور، سیمین (۱۳۷۵). سفیدروی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، چاپ اول.

- نصیرالدین طوسی، خواجه (۱۳۵۱). *تصحیح صور الکواکب*، تهران.

- ویتمن، سیمن (۱۳۸۹). *آیین هندو (از کتاب ادیان زنده شرق)*، ویراستار جان هینلز، ترجمه علی موحدیان عطار، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.

- هال، جیمز (۱۳۸۰). *فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب*، به ترجمه رقیه بهزادی، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر، چاپ اول.

- هرتسفلد، ارنست (۱۳۸۱). *ایران در شرق باستان*، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دانشگاه شهید با هنر کرمان، چاپ اول، تهران.

- هینتس،والتر (۱۳۸۵). *یافته‌های تازه از ایران باستان*، تهران، انتشارات ققنوس.

- قدیمی، ونوس (۱۳۹۰). تحلیل نمادشناختی از ریتون‌های هخامنشی در پیوند با آیین‌های نوشیدنی ایران باستان، *مجله علمی پژوهشی انسان‌شناسی*، سال هشتم، ش ۱۳، صص۱۱۳-۹٤.

- Amiet, Pierre (1979). Memoires de la delegation archeologue en Iran, Glyptique Susienne, vII, Paris.
- Alvarez-mon, Javier (2009). Notes on the Elamite Garment of Cyrus the Great, pp.1-13, the society of Antiquaries of London.
- Black, Jermy, Anthony Green (1992). Demons and symbols of ancient Mesopotamia, British museum Press.k.
- James, E. O. (1966). Tree of life, Studies in the history of religions, E. j. Brill. Leiden.
- Belloni, Gian Guido, Liliana Fedi Dallaen (1969). Iran Art, translated by David Ross, Published in Great Britanican in 1969 by Pall Mall press, London.
- Loukonine, Vladimir et AnatoliIvanov (1995). Parkstone Auroroa, England.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

- Dostn, Jarich G. (1985). The war of the god, the social code in indo-european mythology. London: Routledge and Kegan Paul.
- Jordan, Michael (2004). God and Goddess, Second Edition, facts on file, inc.new york.
- Porada, Dedith (Edith) (1965). Ancient Iran, The Art of pre- Islamic times, published by Methuen, London.
- Porter, venetia, (1995), Islamic Tiles, the Trustees of British museum, Published by British museum press.
- Roach, K. J. (2008). The Elamite Cylinder Seal Corpus, c.3500-100Bc, VII, the catalogue, Partii, University of Sydney.
- Sims, Eleanor, Boris I. Marshakand Ernst J. Grube (2002). Peerless Images Persian Painting and its sorces.
- Stirlin, Henri (2006). Splendors of the Ancient Persia, WS publisher.
- Ghirshman, R. (1968). Note Raninnes XVL. Duxstatuettes Elamites de Plateau Iranian, Artibus Asiae, Vol. 30, No2-3, pp. 237-248.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]